

در راه  
استقلال ملی،  
دمکراسی  
و سوسیالیسم  
مبارزه کنیم!

طرح برنامه سازمان فدائیان خلق ایران



انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران

تکثیر از : نهاد هواداری از سازمان فدائیان خلق ایران در بریتانیا

در راه

استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم

مبارزه کنیم

صفحه	فهرست
۷	اوضاع اقتصادی - اجتماعی ایران
۲۰	اصول، اهداف و وظائف
۳۱	برنامه دموکراسی خلقی
۳۱	الف : در زمینه سیاسی
۳۴	ب : در زمینه اقتصادی
۳۶	ج : در زمینه اجتماعی



\* طرح برنامه سازمان فدائیان خلق ایران

\* چاپ اول بی ماه ۱۳۶۲

\* انتشارات سازمان فدائیان خلق ایران

\* بها : ۵۰ ریال

\* حق چاپ و نشر محفوظ است

پلنوم کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران که در آبانماه ۱۳۶۲ برگزار گردید، " طرح برنامه " ارائه شده توسط هیات سیاسی کمیته مرکزی سازمان را مورد نقد و بررسی قرار داد و به اتفاق آراء به تصویب رساند .

" طرح برنامه " کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، شمره گرانقدر بیش از دو سال مبارزه ایدئولوژیک خلاقانه و پیگیر سازمان ما علیه انحرافات راست و " چپ "، در راه صیانت از پاکیزگی مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، تدوین نظرات سازمان و در راه تامین وحدت رزمنده و پایدار جنبش کمونیستی میهن و تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران است .

" طرح برنامه " حاضر محصول و جوهر اساسی تکوین و تدوین بنیادهای ایدئولوژیک سیاسی سازمان و نتیجه تامین انسجام ایدئولوژیک سیاسی کل نیروهای تشکیلات سازمان حول این بنیادها است . انسجام ایدئولوژیک بیسابقه سازمان ما بنوبه خود محصول پیشبرد پروسه هدفمند ، طبق برنامه و دموکراتیک تدارک برکبزاری نخستین کنکره سازمانی است .

در این پروسه، نظرات تدوین شده کمیته مرکزی سازمان پیرامون مقولات بنیادین " دوران "، " انترناسیونالیسم پرولتری "، " سمتگیری سوسیالیستی "، " ساخت اقتصادی ایران "، " ساخت سیاسی ایران " و مبانی و خط مشی وحدت جنبش کمونیستی در تمامی سطوح تشکیلات سازمان مورد بحث و بررسی خلاقانه کلیه کادرها، اعضای آزمایشی سازمان قرار گرفت .

بمنظور تامین شرکت واقعی و موثر اعضای سازمان در راستای تدوین نهائی این مقولات اساسی بیش از ۵۰۰ کنفرانس در سطح کمیته‌های ایالتی، کمیسیونهای مرکزی، کمیته‌های شهر، بخش و حوزه‌های سازمانی در سراسر ایران با شرکت مروجین اعزامی از جانب کمیته مرکزی و یا مروجین کمیته‌های ایالتی برگزار گردید . بیش از ۱۰۰۰ پیشنهاد اصلاحی که محصول جمع‌بندی مباحثات و انتقادات کنفرانسها بود به کمیسیون ویژه تدارک ایدئولوژیک برکبزاری کنکره ارسال گردید .

این پیشنهادات در تدوین نهائی مقولات و تبدیل آن به نظر یکپارچه و منسجم مجموعه سازمان نقش موثری ایفاء نمودند . بدینترتیب خرد جمعی سازمان ما در " طرح برنامه " حاضر تجلی یافته است .

نکته حائز اهمیت بسیار آنست که چنین تلاش عظیمی در حالی صورت می‌گرفت که تشکیلات سراسری سازمان همچنان با شایستگی - و علیرغم تشدید فشار و اختناق رژیم جمهوری اسلامی علیه تمامی نیروهای ترقیخواه - وظیفه عمده خود یعنی شرکت در امر هدایت و سازماندهی مبارزه طبقاتی توده‌ها را به انجام می‌رساند . این " طرح برنامه " بیانگر مواضع ایدئولوژیک سیاسی کمیته مرکزی سازمان ما در تمامی عرصه‌های ملی و بین‌المللی و چراغ راهنمای مبارزات طبقه کارگر و پیشاهنگ انقلابی آن در راه استقرار جمهوری دموکراتیک خلق در میهن ما است .

" طرح برنامه " همچنین خطوط اساسی برنامه حداقل سازمان را برای مرحله دموکراتیک انقلاب مشخص ساخته است .

به یقین امر ارائه این " طرح برنامه " از طرف کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران به جنبش کمونیستی و ترقیخواهانه میهن، چه از لحاظ ایده‌های اساسی مطرح شده در آن، چه از لحاظ انطباق آن با مارکسیسم انقلابی و چه از نظر پروسه تدوین منسجم و یکپارچه بنیادهای ایدئولوژیک سیاسی آن، در تاریخ ۷۰ ساله جنبش کمونیستی ایران بی‌نظیر است .

در تمامی تاریخ جنبش کمونیستی میهن ما، این برای نخستین بار است که يك سازمان سیاسی مارکسیست - لنینیست مواضع ایدئولوژیک خود را در تمامی عرصه‌های ملی و بین‌المللی به صورتی یکپارچه، روشن و صریح تدوین می‌نماید و در همه این موارد مرزهای خود را با اپورتونیسم راست و " چپ " ترسیم می‌کند و در آخر جوهر تمامی نظرات خود را بصورت برنامه ارائه مینماید .

چون نیک بنکریم بهتر درمی‌یابیم که این دستاورد خود نتیجه پیشرفت جنبش خلق و جنبش کارگری در میهن ما است که زمینه را برای رشد و تکامل جنبش کمونیستی فراهم ساخته است .

### وضع اقتصادی - اجتماعی ایران

میهن ما ایران سرزمین ثروتمندی است که سرشار از منابع و ثروتهای طبیعی، نفت و گاز، معادن مورد نیاز تمامی رشته‌های صنعتی و همچنین دارای دشتها و جلگه‌های بسیار وسیع و حاصلخیز، باغات و جنگلهای غنی، منابع سرشار شیلات و از همه مهمتر دارای جمعیت عظیمی از نیروی فعال کارگری است. با این همه اکثریت مردم کشور ما در فقر و محرومیت زندگی می‌کنند. حاصل کار و تلاش کارگران، دهقانان و سایر توده‌های مردم و ثروتهای ملی و طبیعی ایران را سالیان درازی است که سرمایه‌داری جهانی با همدستی استثمارگران داخلی به یغما میبرد و در ازای آن فقر و بی‌خانمانی، بیکاری، بیماری و اختناق برای خلقهای ایران به ارمغان می‌آورد.

این وضعیت نتیجه سلطه سرمایه‌داری در میهن ما و نیز ناشی از جایگاه وابسته و تابع ایران در نظام جهانی سرمایه‌داری است. نفوذ و سلطه شرکتهای انحصاری و دولتهای سرمایه‌داری در کشور ما با ورود سرمایه‌داری جهانی به مرحله امپریالیسم رو به گسترش گذاشت و به موازات آن استثمار و غارت خلقهای ایران سال به سال شتاب بیشتری به خود گرفت. از آن زمان تا کنون بجز در مقاطعی کوتاه، حکومتهای ایران نماینده منافع امپریالیسم جهانی و متحدان داخلی آن بوده‌اند و وظیفه تسهیل غارت توده‌های مردم ایران را ایفاء کرده‌اند. پیدایش امپریالیسم به منزله ورود نظام سرمایه‌داری به بالاترین مرحله توسعه خود بود که در آن شرکتهای انحصاری سرمایه‌داران نقش تعیین کننده در اقتصاد نظام جهانی سرمایه‌داری یافتند؛ سرمایه‌های بزرگ و متراکم بانکی با سرمایه‌های صنعتی ادغام شدند؛ صدور سرمایه به سرزمینهای زیر نفوذ کشورهای سرمایه‌داری ابعادی عظیم یافت؛ تمامی سرزمینهای جهان میان کشورهای سرمایه‌داری تقسیم شد و تقسیم مجدد اقتصادی جهان میان انحصارات بین‌المللی آغاز گشت.

در این مرحله جهان عمدتاً به دو دسته کشورهای امپریالیستی و تحت ستم تقسیم شد. ایران یکی از کشورهای تحت ستم است که وابستگی آن به امپریالیسم از دو مرحله نیمه استعماری و نواستعماری

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران با ارائه " طرح برنامه " خود به جنبش کمونیستی و ترقیخواهانه ایران از تمامی کارگران و زحمتکشان آگاه و مبارز میهن، از تمامی نیروها و سازمانهای جنبش کمونیستی و جنبش خلق و نیز از همه روشنفکران مبارز و صاحب نظران اجتماعی دعوت مینماید تا نظرات و پیشنهادات خود را نسبت به این " طرح برنامه " ارائه نمایند.

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران خود را موظف و متعهد میداند که تمامی پیشنهادات و نظرات را مورد بررسی قرار دهد.

" طرح برنامه " - به همراه نظرات و پیشنهادات جنبش کمونیستی و ترقیخواهانه - به منظور بررسی و تصویب نهائی به نخستین کنفرانس سازمان فدائیان خلق ایران تقدیم خواهد گردید. انتشار این " طرح برنامه " به یقین همه فدائیان خلق را شادمان می‌کند و همه ما را در انجام وظایف انقلابیمان مصمم‌تر می‌سازد. اعضاء و هواداران سازمان در سراسر ایران موظفند که در شهر و روستا، در کارخانه و مزرعه، محله و اداره و در هر آنجا که جنبش توده‌ها و بویژه جنبش طبقه کارگر علیه ستم و اختناق حکومت جمهوری اسلامی جاری است " طرح برنامه " کمیته مرکزی سازمان را به مثابه پرچم رزم سازمان ما در عرصه مبارزه طبقاتی به اهتزاز درآورند.

اعضاء و هواداران سازمان موظفند " طرح برنامه " را در وسیعترین سطح ممکن در میان توده‌ها و بویژه طبقه کارگر تبلیغ کنند و در امر خطیر هدایت و سازمانگری مبارزات توده‌ها آنرا چراغ راهنمای خود قرار دهند.

" طرح برنامه " ما محصول سالها مبارزه حماسی کارگران و زحمتکشان و روشنفکران انقلابی میهن ما، ثمره ۱۴ سال مبارزه خونین و قهرمانانه فدائیان خلق ایران و ثمره مبارزه شجاعانه تک تک اعضاء و هواداران سازمان از ۱۶ آذر ۱۳۶۰ تا به امروز است.

" طرح برنامه " ما پرچم سرخ رزم ما است. پرچم رزممان را هرچه افراشته‌تر داریم.

گذشته است. در دوره نیمه استعماری سلطه امپریالیسم بر پایه مناسبات فئودالی قرار داشت و در مرحله نو استعماری بر پایه مناسبات سرمایه‌داری قرار گرفت.

بخش اصلی ارزشهای تولید شده توسط کارگران، دهقانان و سایر مردم کشور ما که انباشت آن در داخل برای تکامل مستقل اقتصادی - اجتماعی ایران و رشد نیروهای مولد کشور ضرورت حیاتی داشت، در اثر نفوذ و سلطه امپریالیسم جهانی، در دوره‌های طولانی گذشته، توسط انحصارات و دولتهای امپریالیستی به گونه‌ای وحشیانه به غارت رفته و به شبکه جهانی امپریالیسم منتقل شده است. بدینسان کشور ما از مسیر مستقل رشد خویش بازمانده و روز به روز بیشتر به امپریالیسم جهانی وابسته گشته است.

سلطه شوم امپریالیسم جهانی در میهن ما به آسانی پیش نرفته، بلکه راه خود را با آتش و از میان دریای خون میهن پرستان و آزادی خواهان ایران باز کرده است. خلقهای ایران از جنبش مشروطه تا به امروز از هیچگونه فداکاری در راه دفاع از شرف ملی و کسب استقلال همه جانبه اقتصادی و سیاسی فروگذار نکرده‌اند. تاریخ معاصر ایران از سویی شاهد بیش‌مانه‌ترین اقدامات تجاوزکارانه و سرکوبگرانه امپریالیستها و سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ داخلی علیه توده‌های مردم ما است و از سوی دیگر سرشار از پیکارهای حماسی و غرور آفرین. خلق ما علیه سلطه اقتصادی و سیاسی امپریالیسم جهانی و وابستگان داخلی آن و در راه بنای ایرانی مستقل، آزاد، آباد و به دور از استثمار و ستم است.

با کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ که توسط امپریالیسم امریکا طراحی و رهبری شد، حکومت ملی مصدق سرنگون گشت و رژیم کودتا جنبش خلق را بشکلی وحشیانه سرکوب کرد. از آن زمان به بعد سلطه اقتصادی و سیاسی امپریالیسم جهانی به ویژه امپریالیسم امریکا بر ایران به سرعت رو به گسترش نهاد و رشد سرمایه‌داری وابسته آهنکی پر شتاب یافت. روند رشد سرمایه‌داری وابسته که با تلاشی تدریجی مناسبات فئودالی همراه بود، سرانجام در اوائل دهه ۴۰ و همزمان با اصلاحات

نواستعماری رژیم شاه به غلبه مناسبات سرمایه‌داری بر ساخت اقتصادی - اجتماعی ایران انجامید. تولید سرمایه‌داری به شیوه اصلی تولید اجتماعی و استثمار سرمایه‌داری به شکل اصلی تصاحب محصول کار زحمتکشان تبدیل شد. از این پس مناسبات سرمایه‌داری در بخش کشاورزی و به طور کلی در روستاهای ایران به مناسبات مسلط تبدیل گردید و روابط حاکم بر تولیدکنندگان کوچک شهر و روستا را نیز در بر گرفت. دو طبقه اصلی جامعه سرمایه‌داری یعنی طبقه کارگر و سرمایه‌دار به دو قطب اصلی و متضاد جامعه تبدیل گشتند و همزمان دهقانان و سایر اقشار میانی جامعه نیز به طور عمده خصلت خرده‌بورژوازی پیدا کردند. با این همه، مناسبات فئودالی بصورتی پراکنده و در حد بقایای این شیوه تولید در ساخت اقتصادی - اجتماعی ایران باقی ماند.

غلبه شیوه تولید سرمایه‌داری در ایران، نه از طریق امحای انقلابی مناسبات پوسیده فئودالی و به دست توده‌های مردم، بلکه از راه اصلاحات نواستعماری، توسط امپریالیسم و رژیم وابسته شاه، و به شیوه‌ای ارتجاعی و بوروکراتیک انجام گرفت. از این رو است که سرمایه‌داری ایران بر خلاف سرمایه‌داری کلاسیک که در جریان رشد و تکامل طبیعی کشورهای پیشرفته سرمایه‌داری بر ساخت اقتصادی - اجتماعی این ممالک غلبه یافت و نیز بر خلاف سرمایه‌داری غیر وابسته ایران که مدتها پیش از پیدایش سرمایه‌داری وابسته در جریان تکامل اقتصادی - اجتماعی ایران به کندی در حال رشد بود، دارای ماهیتی ضد ملی و وابسته است. سرمایه‌داری وابسته ایران از آغاز پیدایش آن تا به امروز با منافع ملی و رشد اقتصادی مستقل ایران، تضاد آشتی‌ناپذیر داشته است.

سرمایه‌داری وابسته ایران محصول مرحله معینی از تکامل نظام جهانی سرمایه‌داری و روابط میان دو جزء آن یعنی کشورهای امپریالیستی و تحت ستم است. در این مرحله، اولاً بر بستر شرایط مساعد ناشی از پیدایی نظام جهانی سوسیالیستی و تغییر تعادل قوای بین‌المللی بنفع کشورهای سوسیالیستی و به نفع جنبش طبقه کارگر ممالک سرمایه‌داری و جنبش‌های رهایی‌بخش ملی سرزمینهای تحت ستم، مبارزه خلقهای بپا خاسته کشورهای تحت ستم اوج می‌گیرد و نظام مستعمراتی

طرح برنامه امپریالیسم را در هم می‌شکند. بدینسان امپریالیسم قدرت اعمال کنترل استعماری مستقیم بر کشورهای تحت ستم را از دست می‌دهد و به مرحله نوینی از بحران عمومی خود می‌رسد. ثانیاً در نتیجه تشدید بین‌المللی شدن پروسه تولید، صدور سرمایه تولیدی و شکل تکنولوژیک وابستگی اهمیت روزافزون کسب می‌کند. ثالثاً در نظام جهانی سرمایه‌داری تقسیم کار بین‌المللی جدیدی شکل می‌گیرد که مطابق آن در عین حفظ انحصار کشورهای امپریالیستی بر دستاوردهای انقلاب علمی و تکنولوژیک جهان سرمایه‌داری و جدیدترین و پیچیده‌ترین پروسه‌های تولیدی، ایران بعنوان یکی از کشورهای تحت ستم، تولید برخی محصولات صنعتی و انجام بخشها و حلقه‌های معینی از پروسه بین‌المللی تولید صنعتی را بر عهده می‌گیرد و کم‌کم به حاشیه صنعتی - کشاورزی نظام جهانی سرمایه‌داری تبدیل می‌شود. رابعاً در این مرحله، بهره‌کشی امپریالیسم از جوامع تحت ستم، از جمله ایران، عمدتاً بر مبنای روابط تولید سرمایه‌داری صورت می‌گیرد و سیاست نواستعماری جانشین سیاستهای استعماری گذشته می‌گردد.

استقرار سرمایه‌داری وابسته در ایران از یکسو محصول این شرایط بین‌المللی است و از سوی دیگر نتیجه بحران عمیقی است که نظام ارباب و رعیتی را فرا گرفته بود و تلاشی آنرا ناگزیر می‌ساخت.

اما همانگونه که تجربه بسیاری از کشورهای تحت ستم نشان می‌دهد، وجود این شرایط بین‌المللی و داخلی لزوماً به استقرار سرمایه‌داری وابسته نمی‌انجامد. غلبه سرمایه‌داری وابسته در ایران در وضعیتی رخ داد که نه تنها نمایندگان طبقه کارگر توانایی آن را نداشتند که با قرار گرفتن در راس جنبش خلق و استقرار دموکراسی خلقی بحران عمیق جامعه را از طریق فراتر رفتن از محدوده عام سرمایه‌داری و تامین سمگیری سوسیالیستی حل کنند، بلکه مجموعه نیروهای دموکراتیک و ضد امپریالیست نیز در وضعیتی نبودند که با استقرار حاکمیتی ملی دست کم بجای اصلاحات ارضی ارتجاعی - بوروکراتیک نواستعماری، اصلاحات ارضی انقلابی - دموکراتیک را تحقق بخشند و از آن برای پیشرفت اجتماعی و فراهم ساختن زمینه‌های تحولات انقلابی بنیادی‌تر،

کسر

طرح برنامه مهمترین خصایص سرمایه‌داری ایران وابستگی و از هم کسب‌کنندگی است.

وابستگی بیانگر رابطه‌ای نابرابر و اسارت‌آور میان کشور ما و ممالک امپریالیستی است. از این راه بخش عظیمی از ارزش اضافی تولید شده در ایران بسوی انحصارات سرمایه‌داری جهانی سرازیر می‌شود. جلوه‌های وابستگی اقتصاد ایران را میتوان در همه بخشهای عمده اقتصاد یعنی صنعت، کشاورزی و خدمات مشاهده نمود.

مهمترین تکیه‌گاه اقتصاد وابسته ایران صادرات نفت خام است. همراه با رشد مناسبات سرمایه‌داری، اتکاء اقتصاد ایران بر فروش نفت خام به جهان امپریالیستی کام به کام افزایش پیدا کرده است. صادرات نفت خام از یکسو به قیمت تهی کردن گرانبهاترین ذخایر طبیعی کشور، نیاز کشورهای امپریالیستی را به نفت و فرآورده‌های آن تامین می‌کند و از سوی دیگر ارزش حاصل از فروش آن عامل اصلی در به حرکت درآوردن شبکه‌ایست که از طریق فعالیت سرمایه‌های صنعتی - تجارتي و بانکی، ثمره کار کارگران و زحمتکشان ایران را بصورت مبادله نابرابر، استثمار مستقیم کارگران صنعتی در صنایع وابسته و همچنین بصورت پرداختهای مختلف به شرکت‌های جهانی انحصاری، حق‌الامتيازها، سود سهام و بهره بانکی به جیب انحصارات امپریالیستی سرازیر می‌سازد و همزمان با غارت و استثمار وحشیانه کارگران و دهقانان و سایر توده‌های مردم ایران، رشد سرمایه‌داری وابسته را در ایران تسهیل می‌نماید.

صنایع وابسته حلقه اصلی وابستگی اقتصاد ایران به امپریالیسم جهانی است. در جریان رشد سرمایه‌داری وابسته، ایران صاحب صنایعی شده است که مونتاژ آخرین مراحل پروسه تولید کالاهای مصرفی و پاره‌ای کالاهای سرمایه‌ای را بر عهده دارند و یا حلقه‌هایی از مراحل اولیه پروسه تولید کالاهای صادراتی را انجام می‌دهند. همراه با پیدایش این صنایع، ترکیب وارداتی کشور به سمت کالاهای مورد نیاز صنایع وابسته که عمدتاً مواد اولیه صنعتی، ماشین‌آلات، تجهیزات و کالاهای واسطه‌ای را شامل می‌گردد، سوق یافته است. انحصارات امپریالیستی، این کالاهای مورد نیاز صنایع وابسته کشور را از طریق شبکه‌های جهانی خویش به ایران می‌فروشند.

تجارت خارجی ایران نیز که ساخت آن اساساً نواستعماری است به عنوان حلقه تحکیم و گسترش پیوندهای وابستگی اقتصاد ایران عمل می‌کند. وظیفه عمده تجارت خارجی خرید کالاهای مصرفی و نیز خرید آن دسته از کالاهای مورد نیاز اقتصاد وابسته کشور از انحصارات امپریالیستی است که صنایع وابسته مستقیماً از شرکتهای امپریالیستی دریافت نمی‌کنند.

شبکه بانکی و اعتباری کشور هم بعنوان یکی از حلقه‌های موثر وابستگی، از یکسو مکانیسم لازم را برای صرف بخش مهمی از ارزهای حاصل از فروش نفت توسط تجارت خارجی فراهم می‌سازد و از سوی دیگر پس‌اندازها و دارائی‌های مردم ایران را در خدمت رشد سرمایه‌داری وابسته به کار می‌گیرد.

از هم گسیختگی سرمایه‌داری ایران، بیانگر نبود ارتباط ارگانیک میان بخشها و رشته‌های مختلف اقتصاد کشور است. در ساخت اقتصادی ایران، میان بخشهای صنعت، کشاورزی، خدمات و نیز میان رشته‌های مختلف هریک از این بخشها و حتی در درون یک رشته معین پیوند ارگانیک وجود ندارد.

از هم گسیختگی ساخت اقتصادی ایران را بیش از همه در بخش صنعت می‌توان دید. در این بخش، صنعت نفت بدون توجه به نیازها و زمینه‌های عمومی کشور، به جای رشد در رشته‌های پالایش و پتروشیمی، عمدتاً در رشته صدور نفت خام که خواست انحصارات امپریالیستی و منطبق با منافع آنها است توسعه یافته است. صنایع تولید کننده وسایل تولید بسیار محدود است و مهمترین جزء يك صنعت مستقل و نیرومند، یعنی صناعی که به تولید وسایل تولید لازم برای صنایع تولیدکننده وسایل تولید پردازد، در اقتصاد ایران رشدی بسیار ناچیز داشته است. تنها صنایع مصرفی در مقیاسی نسبتاً وسیع رشد کرده است. اما این صنایع نیز بطور عمده وابسته به انحصارات امپریالیستی هستند. نشانه دیگر از هم‌گسیختگی بخش صنعت را می‌توان در وجود انبوهی از صنایع عقب مانده در کنار تعداد معدود صنایع جدید که فاقد ارتباط ارگانیک با یکدیگرند ملاحظه نمود.

جلوه‌های بارز از هم‌گسیختگی در بخش کشاورزی در پدیده‌های زیر مشاهده می‌شود: تقسیم کشاورزی به يك قسمت پیشرفته محدود و يك قسمت عقب مانده وسیع؛ وارد کردن محصولات عمده کشاورزی که زمینه‌های افزایش تولید آنها در ایران بسیار گسترده است، مانند انواع گوشت، لبنیات، گندم، برنج و دانه‌های روغنی؛ حفظ بقایای مناسبات فئودالی، بدون استفاده ماندن ملیونها هکتار زمین زراعی؛ تخریب بخش مهمی از منابع آبی ایران به ویژه قنوات و به هرز رفتن بخش عظیمی از آبهای کشور.

بخش خدمات نیز با رشد متورم و نامتناسب آن، بیانگر از هم گسیختگی ساخت اقتصادی - اجتماعی ایران است. سهم این بخش که عمدتاً شامل حمل و نقل، انبارداری، ارتباطات بازرگانی، رستوران و هتل داری، خدمات موسسات مالی و پولی، خدمات مستغلات و خدمات حرفه‌ای و تخصصی است، همزمان با غلبه مناسبات سرمایه‌داری در ایران به سرعت رو به افزایش گذاشت و ظرف کمتر از دو دهه تقریباً دو برابر شد. رشد سرطانی این بخش با رشد بخشهای صنعت و کشاورزی تناسب ندارد. بخش خدمات قسمت مهمی از درآمد ملی را به جیب انحصارات امپریالیستی سرازیر می‌سازد.

از هم‌گسیختگی اقتصاد ایران مانع از آن می‌شود که تکنولوژی پیشرفته در همه بخشها و رشته‌های اقتصادی به کار گرفته شود و از این طریق انبوه عظیمی از تولید کنندگان را به کار با تکنولوژی عقب مانده و بارآوری پائین محکوم می‌کند.

از هم گسیختگی شدید اقتصادی ایران که خود محصول نفوذ و سلطه سرمایه انحصاری بین‌المللی است، همراه با وابستگی که محصول دیگر سلطه امپریالیسم است، زمینه اقتصادی لازم را برای حفظ و گسترش این سلطه اسارتبار فراهم می‌سازد.

همراه با رشد پرشتاب سرمایه‌داری وابسته، نوده‌های مردم روز به روز دستخوش استثمار و غارت شدیدتری قرار گرفتند. ملیونها دهقان و پیشه‌ور، صاحبان صنایع و کارگاههای کوچک و سنتی در برابر یورش سرمایه‌های امپریالیستی و سرمایه‌های بزرگ داخلی به ورشکستگی کشانده شدند، از وسایل تولید جدا گشتند، به خیل فزاینده خانه بدوشان

پیوستند و سال به سال سپاه رو به فزون گویگان سرمایه‌داری را نیرومندتر ساختند.

طبقه کارگر ایران که بجز دستان توانا و خلاق خود وسیله دیگری برای تولید ندارد، تنها طبقه‌ای است که هیچگونه منافعی در ادامه مناسبات سرمایه‌داری و حفظ مالکیت خصوصی بر وسایل تولید ندارد. طبقه کارگر ایران، تولید کننده اصلی جامعه است و از آنجا که عمدتاً بطور دستجمعی با وسایل تولید کار می‌کند، بیش از هر طبقه دیگری از قدرت تشکیل برخوردار است.

نظام سرمایه‌داری و سلطه امپریالیسم بیش از همه کارگران را دستخوش استثمار، ستم و اختناق می‌سازد و این کارگران هستند که روشنتر از هر طبقه‌ای استثمار و غارت بیرحمانه خود و دیگران را بطور روزمره به چشم می‌بینند و با گوشت و خون خود مدام آن را لمس می‌کنند. از این رو است که طبقه کارگر ایران سرسخت‌ترین دشمن امپریالیسم و سرمایه‌داری، مبارز تسلیم‌ناپذیر استقلال و آزادی ایران و تنها پیکارگر همیشه پیگیر انقلاب اجتماعی و نابودی هرگونه استثمار است. دهقانان، پس از طبقه کارگر، وسیع‌ترین و نیرومندترین نیروی اجتماعی جامعه ما را تشکیل می‌دهند. در نظام سرمایه‌داری ایران، اکثریت عظیم دهقانان هم از راه استثمار مستقیم و هم از طریق مبادله نابرابر به شدت استثمار می‌شوند. از این رو است که آنان در نابودی سلطه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته ذینفع‌اند و در این راه مبارزه می‌کنند.

طبقه کارگر و دهقانان ایران به همراه توده‌های زحمتکش شهری اکثریت قاطع مردم میهن ما را تشکیل می‌دهند. این اکثریت عظیم که با نیروی کار خویش تمامی فرآورده‌های صنعتی، معدنی و کشاورزی ایران را تولید می‌کند و نیز بخش وسیع خدمات را می‌چرخاند، از امکان حداقل بهره‌گیری از ثمره کار خویش محروم است و در فقر و محرومیتی توان فرسا زندگی می‌کند.

همراه با رشد سرمایه‌داری، توده‌های وسیع کارمندان دولتی، کسبه و پیشه‌وران، نظامیان و روشنفکران شامل معلمان، استادان، دانشجویان، هنرمندان، کارشناسان، و پزشکان و پرستاران نیز روز بروز عواقب

اسارتبار و دردناک سلطه امپریالیسم و سرمایه‌داری وابسته به آن را بیشتر لمس می‌کنند.

سرمایه‌داری وابسته توده انبوهی از کارگران را از حق ابتدائی کار محروم می‌کند. در ایران نزدیک به نیمی از نیروی فعال جامعه که بخش عمده آن را زنان و مردان کارگر تشکیل می‌دهند با بیکاری وسیع دست به گریبانند. سرمایه‌داری وابسته ملیونها استعداد و ملیونها بازوی نیرومند کار را که می‌بایست در ساختن ایرانی مستقل، آزاد و آباد به کار گرفته شوند، در منگنه یک زندگی سخت و سرشار از محرومیت می‌سوزاند و به هدر می‌دهد.

سرمایه‌داری وابسته اکثریت مردم ایران را به رنج محرومیت از مسکن محکوم می‌کند. بسیاری از زنان و مردان و کودکان کشور ما حتی از داشتن سرپناهی که آنان را از سرما و باد و باران زمستان و گرمای تابستان محفوظ دارد محرومند.

ملیونها خانه بدوش ناچارند زندگی سخت و رقت‌بار حاشیه‌نشینی در کنار شهرهای بزرگ را اختیار کنند و در زاغه‌ها، کپرها، گودها و بیفوله‌هایی که شایسته انسان نیست زندگی کنند. وضعیت مسکن دهقانان و بسیاری از ساکنان شهرها نیز ناگوار و تحمل‌ناپذیر است. اکثر آنها در خانه‌های گلین که فاقد حداقل شرایط بهداشتی و ایمنی است و به آسانی بر سر ساکنان آن خراب می‌شود، زندگی می‌کنند. بیماریهای گوناگون که در نتیجه کم غذایی، بد غذایی، کار بیش از حد و طاقت فرسا، نبودن امکانات بهداشتی و درمانی گریبانگیر توده‌های مردم ایران می‌شود، نیز بلایی است که نظام غارت و استثمار سرمایه‌داری وابسته، به توده‌های مردم ایران و به ویژه کارگران و دهقانان تحمیل کرده است.

از عواقب دیگر این نظام، بیسوادی نزدیک به نیمی از مردم ایران است.

اعتیاد بخش وسیعی از مردم، بویژه جوانان به مواد مخدر، گسترش فحشاء، دزدی و سایر مفاسد اجتماعی که بر بستر فقر و محرومیت توده‌های مردم رشد می‌کند، نیز دردهائی هستند که در سلطه نظام سرمایه‌داری وابسته بر جامعه ایران ریشه دارند.



طرح برنامه رواج فرهنگ و اخلاقیات منحن سرمایه‌داری و سرکوب و تحریف سنن و آداب ملی و مترقی میهن ما از عواقب دیگر این نظام است. سرمایه‌داری وابسته که خود بیانگر ستم بیرحمانه امپریالیسم جهانی بر تمامی مردم ایران است، موجب تشدید بیرحمانه ستم ملی بر خلقهای ترک، کرد، ترکمن، عرب و بلوچ شده است. مناطق زندگی خلقهای ایران به لحاظ اقتصادی - اجتماعی بسیار عقب نگهداشته شده است. بعلاوه خلقهای غیر فارس ایران از هیچیک از حقوق ملی و فرهنگی خویش برخوردار نیستند.

بدینسان است که با رشد سرمایه‌داری و ادا مه استثمار و غارت مردم ایران توسط امپریالیسم و سرمایه‌های وابسته فاصله طبقاتی میان کارگران، دهقانان و دیگر زحمتکشان با طبقات استثمارگر کام به کام بیشتر می‌شود، تضادهای آشتی‌ناپذیر طبقاتی از حدت بیشتری برخوردار می‌گردد و همراه با آن تضاد خلق ما با امپریالیسم و متحدان داخلی آن شدت می‌یابد. تولید کنندگان جامعه روز بروز از ثمره کار خود بیشتر محروم می‌گردند و همزمان سرمایه‌داران و زمینداران که اقلیتی کوچک را تشکیل می‌دهند و نقشی در تولید ندارند، بیش از پیش فرصت می‌یابند تا با کمک سرمایه‌های وابسته خون کارگران و زحمتکشان را خفاشوار ببلعند و به قیمت درد و رنج توانفرسای مردم ایران، مدام فربه‌تر و حریص‌تر شوند.

طبقه کارگر و به همراه او دهقانان، زحمتکشان شهری، توده‌های میهن‌پرست کارمندان و روشنفکران عمیقاً از این وضعیت دردناک و حقارت‌بار که آنان را از زندگی مستقل، آزاد، سعادت‌مند و شایسته انسان محروم ساخته است، ناراضی‌اند. بر چنین زمینه‌ای است که جنبش خلق و در مرکز آن جنبش طبقه کارگر ایران بمثابة نیروی قدرتمند و رشد‌یابنده علیه سلطه امپریالیسم جهانی و سرمایه‌داری وابسته ایران شکل می‌گیرد و تمامی مدافعان این مناسبات ظالمانه را هدف قرار می‌دهد. جنبش طبقه کارگر و جنبش توده‌ای میهن ما که ریشه در ابعاد عمیق تضادهای طبقاتی حاصل از سرمایه‌داری وابسته ایران دارد، از آن چنان قدرت کوبنده‌ای برخوردار است و چنان زمینه وسیعی برای اوجگیری و گسترش سریع و همه‌جانبه دارد که امپریالیسم و سرمایه‌داران

و زمینداران بزرگ ناچارند برای حفظ منافع خویش به اشکال خشن دیکتاتوری توسل جویند.

از این رو است که نابودی آزادیهای سیاسی، نابودی حق آزاد گفتن، آزاد نوشتن و حتی آزاد اندیشیدن از دیگر ثمرات تلخ استقرار سرمایه‌داری وابسته در ایران است. در این نظام نه تنها آزادی فعالیت‌های سیاسی سرکوب می‌گردد، بلکه بخاطر دامنه وحدت تضادها و هراس سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ از تشکلهای اتحادیه‌های کارگران دهقانان، روشنفکران و هنرمندان، در اغلب دوره‌های حیات این نظام مردم از حق ایجاد تشکلهای مستقل صنفی و طبقاتی محرومند. جنبش توده‌ای عظیم و نیرومندی که در سال ۱۳۵۶ آغاز گشت و در جریان انقلاب بهمن ۱۳۵۷ دیکتاتوری قدرتمند و تا بن دندان مسلح شاه را با امواج نیرومند خود در هم شکست، بر بستر نارضایتی عمیق توده‌های مردم ایران از این وضعیت تحمل‌ناپذیر شکل گرفت و توده‌های مردم را به مبارزه‌ای قهرمانانه علیه نظام بیدارگر سرمایه‌داری وابسته ایران کشاند.

پیش از آن که طوفان جنبش خلق آغاز گردد، نظام سرمایه‌داری ایران با بحران اقتصادی و خیمی مواجه گشت. این بحران از یکسو توده‌های مردم ایران را که بشدت از اوضاع ناراضی و خشمگین بودند به گونه‌ای وسیع به حرکت درآورد و از سوی دیگر با تشدید تضاد در میان طبقه حاکم و نمایندگان آن رژیم دیکتاتوری را با بحران سیاسی روبرو ساخت.

بدینسان بود که در سال ۱۳۵۷، با وجود تمامی تلاشهای سرکوبگرانه رژیم، سیل عظیمی از کارگران، دهقانان، کسبه و پیشه‌وران، کارمندان دولت، دانشجویان و دانشکاهیان، معلمان و دانش‌آموزان سینه‌های خود را سپر کردند و با تمام قوا برای سرنگونی رژیم که منافع امپریالیسم و سرمایه‌داران وابسته را نمایندگی می‌کرد، به حرکت درآمدند. رژیم شاه همه قدرت قهر خویش را برای سرکوب جنبش انقلابی مردم که روز به روز نیرومندتر و خروشان‌تر می‌شد به کار گرفت و هزاران تن از کارگران، زحمتکشان و روشنفکران را در خیابانها، کارخانه‌ها و مراکز آموزشی در خاک و خون غلتاند. با این همه نیروی جنبش خلق

کوبنده‌تر از آن بود که دستگاه‌های قدرتمند ارتش و پلیس بتوانند آن را سرکوب نمایند.

طبقه کارگر ایران نیروی اصلی این جنبش عظیم بود. اعتصابات سراسری کارگران بویژه اعتصابات یکپارچه کارگران و کارکنان صنعت نفت در پائیز و زمستان ۱۳۵۷ بزرگترین ضربات سیاسی و اقتصادی را بر پیکر رژیم وارد ساخت.

همراه با اوجگیری جنبش خلق و در مرکز آن جنبش طبقه کارگر، روز بروز توده‌های وسیع‌تری از سربازان، درجه‌داران و افسران میهن‌پرست جانب مردم را گرفتند و با سرکوب توده‌ها به مخالفت برخاستند. این وضعیت شکاف در دستگاه‌های قهر رژیم را مدام عمیق‌تر ساخت و قدرت سرکوب آن را بشدت کاهش داد. بدینسان بود که مبارزات قهرمانانه مردم زمینه‌های انقلاب بهمن را از هر نظر آماده ساخت. با این همه، بدلیل ضعف و پراکندگی جنبش کمونیستی که از وجود اپورتونیسیم ریشه‌دار راست و تاثیر فلج کننده آن در این جنبش و نیز از وجود انحرافات "چپ" روانه ناشی می‌شد، طبقه کارگر نه تنها از تامین سرکردگی خود در جنبش انقلابی خلق بازماند، بلکه حتی نتوانست جایگاه نیرومندی در این جنبش به خود اختصاص دهد.

هدف توده‌های وسیعی که در این انقلاب ضدامپریالیستی - دموکراتیک شرکت داشتند آن بود که با سرنگونی رژیم دیکتاتوری شاه، سلطه سیاسی، اقتصادی و نظامی و نفوذ فرهنگی امپریالیسم را در میهن ما براندازند و با انجام اقدامات دموکراتیک و دگرگونی‌های بنیادین اجتماعی، ایرانی مستقل، آزاد، و بدور از ستم و استثمار را به جای نظام غارتگر و ضد مردمی سرمایه‌داری وابسته بنا کنند.

انقلاب بهمن با سرنگونی رژیم وابسته شاه، سلطه سیاسی امپریالیسم جهانی را در میهن ما برافکند و به منافع و مصالح نظامی و اقتصادی امپریالیسم ضربات مهمی وارد ساخت. در نتیجه این انقلاب حاکمیت جمهوری اسلامی به سرکردگی روحانیونی که تمایلات خرده‌بورژوازی سنتی را نمایندگی می‌کردند، استقرار یافت. این نیرو که در شرایط ضعف نمایندگان سیاسی طبقه کارگر و در غیاب جبهه‌ای از نیروهای انقلابی و دموکرات در رأس جنبش قرار گرفت

و در انقلاب بهمن قدرت سیاسی را اشغال کرد، بخاطر ماهیت متزلزل طبقاتی و دیدگاه تنگ نظرانه مذهبی از آغاز کوشید تا از طریق ائتلاف با بورژوازی از تشکل و تسلیح توده‌ها و نیز از توسعه نفوذ کمونیست‌ها و سایر نیروهای رادیکال انقلابی در جنبش مردم ایران جلوگیری کند. این حاکمیت از یکسو بدلیل قشریت شدید مذهبی، تمایلات تند ضد دموکراتیک و خصومت گسترده با جنبش کمونیستی و کارگری و از سوی دیگر به علت ساخت نسبتاً پیشرفته سرمایه‌داری وابسته ایران، از پیشبرد سیاستی ترقیخواهانه در چارچوب سرمایه‌داری نیز عملاً عاجز ماند. کمتر از سه سال پس از انقلاب، سیاست‌های اقتصادی رژیم گذشته با شدت تمام و بطور آشکار از سر گرفته شد. آزادی‌های سیاسی که یکی از هدف‌های اساسی مردم بود و انقلاب با سرنگونی رژیم دیکتاتوری عملاً آن را تامین کرده بود به کلی نابود شد و این در حالی بود که هیچیک از اصلاحات ضدامپریالیستی و دموکراتیک انقلاب به مرحله اجرا در نیامد. ارتشاء و فساد نیز در دستگاه‌های اداری و نهادهای دولتی جدید رو به گسترش گذاشت. در ادامه این سیاست‌های راست‌روانه حاکمیت جمهوری اسلامی در سراسر استحال، یعنی تبدیل به حاکمیت سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ سقوط کرد و در نتیجه در جبهه مقابل توده‌های مردم قرار گرفت.

انقلاب بهمن برای توده‌های ستم‌دیده ایران حاوی دو درس بزرگ بود. یکی اینکه اراده توده‌ها شکست‌ناپذیر است و مردم آنگاه که اراده کنند تا در راه خواسته‌های عادلانه خویش برزنند، میتوانند قدرتمندترین دشمنان طبقاتی خویش را به زانو درآورند. دیگر آنکه اقشار میانی از آنجا که بنا به ماهیت طبقاتی خود، ناپیکیر و متزلزلند، از حل قطعی مسایل انقلاب ناتوانند. برای پیروزی قطعی و نهایی انقلاب می‌بایست تسلیم‌ناپذیرترین و پیگیرترین نیروی اجتماعی میهن ما، یعنی طبقه کارگر در رأس جنبش ضدامپریالیستی - دموکراتیک مردم ایران قرار گیرد.

اینک با وجود مبارزات حماسی توده‌های مردم ایران در جریان انقلاب و پس از آن، غارت و استثمار وحشیانه کارگران، دهقانان و سایر مردم ایران همچنان ادامه دارد و در نتیجه آن فقر، محرومیت، بیکاری، ستم‌ملی و اختناق در ابعاد عظیم آن همچنان باقی است.

## اصول، اهداف، وظائف

رهائی کامل خلق ما از اینهمه ستم و استثمار، در براندازی نظام سرمایه‌داری است. انجام این تحول وظیفه انقلاب اجتماعی طبقه کارگر، یعنی انقلاب سوسیالیستی است. این انقلاب طبقه کارگر و همراه با آن کل مردم ستم‌دیده را از یوغ بندگی و استثمار آزاد می‌سازد.

رهایی طبقه کارگر فقط بدست خود طبقه کارگر می‌تواند صورت گیرد. دیگر طبقات و اقشار جامعه سرمایه‌داری، از آنجا که ریشه در مالکیت خصوصی دارند، قادر به نابودی بنیادهای این نظام اقتصادی-اجتماعی نیستند. تنها طبقه کارگر است که بنا به موقعیت خود در نظام اجتماعی تولید، می‌تواند نظام سرمایه‌داری را براندازد و نظام نوین سوسیالیستی را جایگزین آن سازد.

سوسیالیسم نظامی است که مالکیت خصوصی بر وسایل تولید، این منشاء تقسیم جامعه به طبقات را از بین می‌برد و مالکیت عمومی بر وسایل تولید را به جای آن می‌نشانند. در سوسیالیسم استثمار انسان از انسان پایان می‌یابد و به جای روابط مبتنی بر ستم و انقیاد، روابطی مبتنی بر همکاری رفیقانه و کمک متقابل در بین تولید کنندگان بلاواسطه برقرار می‌شود. سوسیالیسم طبقات استثمارگر را از بین می‌برد و راه را برای نیل به جامعه‌ای بی‌طبقه هموار می‌کند. هدف سوسیالیسم ارضای نیازهای مادی و معنوی افراد جامعه از طریق تکامل سریع تولید اجتماعی و گسترش و شکوفائی علم و هنر است. در جامعه سوسیالیستی اصل "از هر کس به اندازه توانائیش، به هرکس به اندازه کارش" تحقق می‌یابد.

سوسیالیسم، فاز اول نظام کمونیستی است. کمونیسم جامعه بی‌طبقه‌ای است که بر مبنای مالکیت واحد همگانی مردم بر وسایل تولید و برابری کامل اجتماعی همه اعضای جامعه استوار است. در چنین جامعه‌ای همراه با تکامل همه جانبه افراد، نیروهای تولیدی نیز بر مبنای آخرین دستاوردهای علم و تکنیک تکامل می‌یابد، بارآوری کار به نحوی بی‌سابقه بالا می‌رود و بر پایه وفور ثروتهای اجتماعی ناشی از آن اصل

"از هرکس به اندازه توانائیش، به هرکس به اندازه نیازش" تحقق می‌یابد. در جامعه کمونیستی کار به نفع جامعه به نیاز حیاتی درجه اول هر فرد تبدیل خواهد شد و تکامل آزاد هر فرد شرط تکامل آزاد جامعه خواهد بود.

پیش شرط سیاسی نیل به سوسیالیسم و کمونیسم، کسب قدرت سیاسی توسط طبقه کارگر، یعنی استقرار دیکتاتوری پرولتاریا است. این به معنای وسیعترین دموکراسی ممکن برای اکثریت افراد جامعه در مقابل اقلیت ناچیز استثمارگران است و قدرت دولتی استثمار شونده‌گان، تحت رهبری طبقه کارگر و پیشاهنگ انقلابی آن را متجلی می‌سازد. طبقه کارگر به وسیله این قدرت دولتی که به اراده مستقیم توده‌ها متکی است، تمام مقاومت‌ها و موانعی را که در راه اهداف عادلانه و شریفش قرار دارد، درهم می‌شکند.

سازمان فدائیان خلق ایران، استقرار جامعه‌ای کمونیستی در ایران را هدف نهائی خود قرار داده است و بنابراین خود را موظف می‌داند که تضاد آشتی‌ناپذیر میان منافع کارگران و منافع سرمایه‌داران، میان استثمارشوندگان و استثمارگران را در بین کارگران و توده‌ها افشا کند، پوسیدگی مناسبات سرمایه‌داری را بر ملا سازد و اهمیت تاریخی، خصلت و چگونگی نیل به سوسیالیسم و کمونیسم را برای آنها روشن نماید. سازمان فدائیان خلق ایران همچنین وظیفه خود می‌داند که به گونه‌ای پیگیر، موقعیت ناپایدار و آینده نامطمئن توده‌های زحمتکش و استثمارشونده غیرپرولتری را در شرایط سرمایه‌داری نشان دهد و ضرورت انقلاب اجتماعی برای رهائی از بندگی سرمایه را برای آنها تشریح نماید. بنابراین سازمان برای دستیابی به این اهداف با تمام قوا در راه وحدت رزمنده و انقلابی جنبش کمونیستی ایران و تشکیل حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران مبارزه می‌نماید و از همه افراد طبقات و اقشار خلقی دعوت می‌کند با پذیرش مواضع طبقه کارگر در صفوف آن قرار گیرند و در راه رهایی کامل خویش که تنها با تحقق آرمانهای شریف طبقه کارگر عملی می‌شود، پیکار کنند.

رهایی از یوغ بندگی سرمایه قبل از هر چیز امری اجتماعی و جهانی، یعنی امری انترناسیونالیستی است. اما این رسالت اجتماعی و جهانی،

توسط طبقه کارگر که مانند هر طبقه دیگر به بخش‌های ملی تقسیم می‌شود، انجام می‌پذیرد.

طبقه کارگر هر کشور باید قبل از هرچیز کار را با بورژوازی خود یکسره کند و در راه استقرار سوسیالیسم و کمونیسم در کشور خود مبارزه نماید. بنابراین عرصه اصلی مبارزه کارگران هر کشوری همانا کشور خود آنها است و مبارزه برای پیشبرد انقلاب در کشور خویش، مهمترین بخش وظیفه انترناسیونالیستی طبقه کارگر هر کشور است. این وظیفه از طریق همبستگی فعال با مبارزات کارگران کشورهای دیگر و پیشاهنگ انقلابی آنها تکمیل می‌شود.

سازمان فدائیان خلق ایران خود را بخشی از جنبش جهانی کمونیستی می‌داند و بر مبنای خط مشی عمومی آن که در مبارزه انقلابی علیه امپریالیسم و سرمایه‌داری و بخاطر صلح، استقلال ملی، دموکراسی و سوسیالیسم تجلی می‌یابد، مبارزه می‌کند. و به همین دلیل، مبارزه در راه تقویت و تحکیم وحدت رزمنده این جنبش را از وظایف اساسی خود می‌داند. سازمان فدائیان خلق ایران برای انجام موثر این وظیفه، قاطعانه از پاکیزگی آموزش‌های سترک مارکسیسم - لنینیسم و روح انقلابی آنها دفاع می‌کند و بطور پیکر در جهت انزوا و طرد انواع انحرافات رویزیونیستی و اپورتونیستی راست و "چپ" موجود در درون این جنبش، و از آن جمله "اورو کمونیسم" و "مائوئیسم" تلاش می‌نماید. آشتی‌ناپذیری با هرگونه انحراف رویزیونیستی و اپورتونیستی مهمترین ضامن وحدت رزمنده و انقلابی جنبش جهانی کمونیستی و پیشروی هرچه پیروزمندانه‌تر و سریعتر آن است.

سازمان فدائیان خلق ایران، مناسبات خود با احزاب و سازمانهای کمونیستی سایر کشورها را بر اساس اصول استقلال، برابری، عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر، و همبستگی و وحدت انترناسیونالیستی تنظیم می‌کند.

خصلت انترناسیونالیستی جنبش طبقه کارگر، میهن‌پرستی انقلابی آن را نیز در بر می‌گیرد. از میان مجموعه طبقات و اقشار مترقی، طبقه کارگر پیکرترین مدافع استقلال میهن و منافع ملی، قاطع‌ترین پیکارگر

راه آزادی و شکوفائی میهن و استوارترین پاسدار میراث فرهنگی و آداب و رسوم و سنن ملی مترقی کشور خویش است. میهن پرستی طبقه کارگر با نفرت از سلطه امپریالیسم و بیزاری از طبقات استثمارگر، عشق به رهایی از یوغ آنها و مبارزه آشتی‌ناپذیر در راه سرنگونی آنها، و همبستگی با مبارزات انقلابی کارگران و توده‌های ستمدیده دیگر کشورها پیوندی ناگسستنی دارد. بدین دلیل، سازمان فدائیان خلق ایران، در همه فعالیت‌های خود بر وفاداری عمیق به مارکسیسم - لنینیسم، انترناسیونالیسم پرولتری و میهن‌پرستی انقلابی تکیه می‌کند و با هرگونه جلوه‌ای از ناسیونال نیهیلیسم و ناسیونال کمونیسم آشتی‌ناپذیر است.

ناسیونال نیهیلیسم به معنای نادیده گرفتن منافع، عوامل و ویژگی‌های ملی و یا کم بها دادن به آنها، ناتوانی در کار بی‌دریغ در راه پیشبرد مبارزه انقلابی در کشور خویش بعنوان بخش اصلی وظیفه انترناسیونالیستی، کم‌توجهی به تمایلات استقلال طلبانه مردم کشور خویش، شانه خالی کردن از تحلیل علمی مستقل و خلاق از مسائل مبارزه انقلابی در کشور خود و جهان و تخطئه آن تحت پوشش بی‌اعتقادی به جنبش جهانی کمونیستی، و از این طریق نقض اصول ناظر بر روابط میان احزاب کمونیست کشورهای مختلف و اشاعه درکی هژمونیستی از این روابط است. ناسیونال کمونیسم، روی دیگر ناسیونال نیهیلیسم است و در پدیده‌هایی چون تاکید یک جانبه بر منافع، عوامل و ویژگی‌های ملی، کم بها دادن به منافع و عوامل بین‌المللی و قوانین عام گذار به سوسیالیسم، کوتاهی در همکاری و همبستگی انترناسیونالیستی با بخش‌های دیگر جنبش انقلابی و جنبش کمونیستی و کمک هم‌جانبه به آنها، کم توجهی به تجربه انقلابی کشورهای دیگر تجلی می‌یابد.

ناسیونال نیهیلیسم و ناسیونال کمونیسم راه را بر نفوذ اندیشه‌های بورژوائی و خرده‌بورژوائی در جنبش کمونیستی باز می‌کند و از این طریق آن را فلج می‌سازد. مبارزه موثر برای انزوا و طرد هرکدام از این انحرافات بدون مرزبندی روشن و همه جانبه با انحراف دیگر امکان‌پذیر نیست. سازمان فدائیان خلق ایران بطور پیکر علیه ناسیونال نیهیلیسم و ناسیونال کمونیسم مبارزه می‌کند و آن را جزئی مهم از پیکار در راه وحدت جنبش کمونیستی ایران می‌داند.

هرچند که بنای جامعه بی طبقه کمونیستی در ایران، هدف نهائی سازمان فدائیان خلق ایران است، ولی در حال حاضر هنوز انقلاب سوسیالیستی بعنوان وظیفه بلاواسطه و مقدم مطرح نیست، جامعه ایران، نه تنها جامعه‌ای سرمایه‌داری است، بلکه وابسته به امپریالیسم نیز هست. گذشته از این، در جامعه ایران علیرغم غلبه مناسبات سرمایه‌داری، هنوز هم بقایای مناسبات ماقبل سرمایه‌داری به حیات خود ادامه می‌دهند. امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم امریکا و متحدان داخلی آن، یعنی سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و بقایای فئودال‌ها، مهمترین مانع تکامل آزاد جامعه ایران هستند. امپریالیسم و متحدان داخلی آن، بمیزان وسیعی مانع رشد نیروهای تولیدی و گسترش همه جانبه مبارزه طبقاتی پرولتاریا در راه هدف نهائی خود میشوند، لذا انقلاب ایران در مرحله ضدامپریالیستی - دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی قرار دارد.

جنبه ضدامپریالیستی انقلاب ایران بیانگر ضرورت امحای همه وابستگی‌های اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی ایران به امپریالیسم است.

جنبه دموکراتیک انقلاب ایران بر لزوم امحای سلطه سیاسی و اقتصادی سرمایه‌داران و زمین‌داران بزرگ و بقایای فئودال‌ها از یکسو، و تامین شرکت گسترده همه طبقات و اقشار خلق در اداره امور دولتی و اجتماعی و تحقق منافع آنها از سوی دیگر دلالت دارد. این وظیفه از طریق اقدامات اساسی چون خلع ید از سرمایه‌داران بزرگ و اجرای برنامه رشد صنعتی مستقل، خلع ید از زمین‌داران بزرگ و بقایای فئودال‌ها و اجرای برنامه ارضی انقلابی، حل انقلابی مسئله ملی، تامین آزادی‌های سیاسی و تضمین حقوق کارگران و سایر توده‌های محروم شهر و روستا تحقق می‌یابد.

جنبه سمتگیری سوسیالیستی انقلاب ایران، جهت اقتصادی - اجتماعی و سیاسی تکامل آن را نشان می‌دهد. بدین معنی که وظایف ضدامپریالیستی و دموکراتیک فوق در چارچوب سرمایه‌داری محصور نمی‌ماند و مهمتر از آن، در دوران معاصر انجام کامل این وظایف اصولاً در چنین محدوده‌ای امکان‌پذیر نیست، بلکه این وظایف تنها در راستای گذار

به سوسیالیسم جامعه عمل می‌پوشند.

دوران معاصر، دوران گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم، شرایط و امکانات بین‌المللی لازم برای گذار همه جوامع بشری به سوسیالیسم، صرفنظر از سطح تکامل اقتصادی - اجتماعی آنها را پدید آورده است. این گذار در سه شاخه روند انقلابی جهان معاصر، یعنی نظام جهانی سوسیالیستی، جنبش انقلابی طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری و جنبش رهائی‌بخش ملی تحقق می‌یابد. اما این امر بدان معنی نیست که در دوران کنونی هر تحولی، به صرف آن که جزئی از روند انقلابی جهانی است، دارای مضمون گذار به سوسیالیسم است.

گذشته از این، پیدایی امکانات و شرایط مساعد بین‌المللی فوق و عملکرد تضاد اصلی جهان در دوران معاصر، یعنی تضاد میان نظامهای سرمایه‌داری و سوسیالیستی، به خودی خود تحقق این امکانات را در کشورهای مختلف جهان سرمایه‌داری تضمین نمی‌کند. در گذار هر کشور معین به سوسیالیسم، عوامل داخلی نقش اصلی و تعیین کننده دارند. گذار به سوسیالیسم پیروهای آگاهانه و هدفمند است و نمیتواند بطور خود بخودی و در نتیجه عملکرد صرف عوامل عینی انجام پذیرد. این امر مستلزم آن است که طبقه کارگر به رهبری پیشاهنگ انقلابی مارکسیست - لنینیست خود در عرصه ملی هدایت دولت و جامعه را در دست داشته باشد.

سازمان فدائیان خلق ایران انقلاب ضدامپریالیستی - دموکراتیک با سمتگیری سوسیالیستی را هدف مقدم خود می‌داند. این هدف تنها زمانی تحقق می‌یابد که طبقه کارگر به رهبری پیشاهنگ انقلابی خود در رأس جنبش انقلابی مردم قرار گیرد و قدرت دموکراتیک خلق تحت رهبری آن در جامعه استقرار یابد. طبقه کارگر نیروی محرکه اصلی انقلاب ایران و نیروی رهبری کننده آن است.

هرچند که طبقه کارگر و پیشاهنگ انقلابی آن، بیش از همه از اشکال مسالمت‌آمیز تحقق اهداف خود استقبال می‌کنند، ولی مقاومت جنون آسای استثمارگران داخلی و متحدان امپریالیست آنها برای حفظ مواضع اقتصادی و سیاسی خود و توسل آنها به متنوع‌ترین ابزار اعمال فشار و سرکوب جنبش انقلابی، آنها را بر آن می‌دارد و بالاتر

از آن موظف می‌کند که به‌دور از هرگونه توهّم خود را برای اشکال مختلف تکامل انقلاب، و از آن جمله تقابل قهرآمیز با مقاومت ضدانقلاب آماده کنند. طبقه کارگر برای دستیابی به اهداف خود باید دستگاه دولتی کهن را درهم شکند و مقاومت استثمارگران داخلی و خارجی را خنثی سازد. طبقه کارگر با انجام این وظیفه، در عین حال رسالت عظیم میهن پرستانه خود را نیز عملی می‌کند. این رسالت در این حقیقت بیان می‌شود که این طبقه با درهم شکستن قدرت سیاسی و اقتصادی طبقات استثمارگر زمینه لازم را برای حفظ و گسترش منافع ملی در برابر دستبرد امپریالیستها و شرکای داخلی آنها و برای تکامل آزاد و شکوفان ملی فراهم می‌کند.

علاوه بر کارگران و دهقانان، اقشار خرده‌بورژوازی شهری نیز در زمره نیروهای محرکه انقلابند. با رشد سرمایه‌داری وابسته شمار هرچه بیشتری از دهقانان و اقشار خرده‌بورژوازی از طریق رقابت سرمایه‌های بزرگ و مبادله نابرابر، ورشکسته و خانه‌خراب می‌گردند و شمار هرچه بیشتری از موسسات کوچک بوسیله موسسات بزرگ از میدان رانده می‌شوند. این اقشار همچنین تحت ستم ملی امپریالیستها هستند. بخش مرفه دهقانان و اقشار خرده‌بورژوازی شهری مستعد آن است که در مرحله ضدامپریالیستی - دموکراتیک انقلاب، و به ویژه با پیشرفت آن که بتدریج با وظایف ضد سرمایه‌داری بیشتر می‌شود، به جای شرکت فعال در مبارزه انقلابی، سیاست صبر و انتظار پیشه کند و حتی در صف مقابل انقلاب قرار گیرد.

اتحاد این نیروها در یک جبهه، که کارگران و دهقانان ستونهای عمده آن را تشکیل می‌دهند و توسط طبقه کارگر و پیشاهنگ انقلابی آن رهبری می‌شود، شرط اساسی پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ضد امپریالیستی - دموکراتیک و استقرار جمهوری دموکراتیک خلق است. این جبهه به اشکال مختلفی می‌تواند شکل گیرد، اما به هر حال پذیرش رهبری طبقه کارگر را نمی‌توان پیش‌شرط همکاری و اتحاد با سایر نیروها دانست.

کشورهای سوسیالیستی، طبقه کارگر کشورهای سرمایه‌داری، و جنبش رهای بخش ملی خلقهای تحت ستم امپریالیسم و مجموعه نیروهای ترقیخواه و صلح‌دوست جهان، متحدان خارجی انقلاب ایران محسوب می‌شوند. در این میان همکاری با کشورهای سوسیالیستی که نیروی عمده روند انقلابی جهانی هستند، از اهمیت درجه اول برخوردار است. این همکاری شرطی لازم برای انجام پیروزمندانه وظایف انقلاب است. امپریالیستها و در راس آنها امپریالیسم امریکا، سرمایه‌داران و زمینداران بزرگ و بقایای فئودالها دشمنان اصلی انقلاب ایران هستند. برانداختن سلطه سیاسی و اقتصادی این نیروها هدف این مرحله انقلاب است.

دیگر اقشار بورژوازی ایران که بطور عمده سرمایه‌ای ناوابسته دارند، نقشی خائنه و سازشکارانه در انقلاب ایفا می‌کنند. سازمان فدائیان خلق ایران وظیفه خود می‌داند که همواره در جریان فعالیت خود این نقش را در برابر کارگران و توده‌ها افشا کند، دهقانان و اقشار خرده‌بورژوازی شهری را از زیر نفوذ فلج کننده آنها خارج سازد و بسوی اتحاد با کارگران سوق دهد.

سازمان فدائیان خلق ایران، در مبارزه برای تحقق اهداف خود از هر جنبش و حرکت اپوزیسیون و انقلابی که دشمنان اصلی انقلاب در مرحله کنونی، یعنی امپریالیستها و متحدان داخلی آنها را مورد حمله قرار دهد، پشتیبانی می‌کند و این حمایت را بعنوان جزئی از تلاش خویش برای تامین رهبری طبقه کارگر در جنبش خلق و تامین پیروزی قطعی و نهائی انقلاب در نظر می‌گیرد.

سیاست سازمان در قبال حکومت‌های ملی و مترقی غیرپرولتری نیز، از همین موضع ناشی می‌شود. جوهر این سیاست را تلفیق خطمشی مستقل پرولتری با اتحادهای اصولی تشکیل می‌دهد. بسط مشخص‌تر این سیاست سه جنبه:

الف) پیشبرد خطمشی مستقل پرولتری به منظور تقویت صف مستقل طبقه کارگر؛

ب) دفاع از اقدامات مشخص ترقیخواهانه حاکمیت ملی؛

ج) مبارزه با هر حرکت و اقدام ارتجاعی و ضد دموکراتیک آن؛  
را در بر می‌گیرد.

انقلاب ایران جزئی از روند جهانی گذار از سرمایه‌داری به سوسیالیسم است. لذا میان مرحله ضدامپریالیستی - دموکراتیک و سوسیالیستی آن هیچ مرز غیر قابل عبوری وجود ندارد. انقلاب ایران تا زمان نیل به سوسیالیسم، یک پروسه بلاانقطاع با مضمون گذار به سوسیالیسم است. دو مرحله این پروسه، با درجات متفاوتی از تلفیق وظایف ضدامپریالیستی - دموکراتیک و وظایف سوسیالیستی از یکدیگر متمایز و مشخص می‌شوند. در حالی که در مرحله اول انجام وظایف ضدامپریالیستی - دموکراتیک عمده است و وظایف سوسیالیستی نقشی تکمیلی ولی بالنده و رو به افزایش دارد، در مرحله دوم انجام این وظایف جنبه عمده پیدا می‌کند. به هر حال، از همان زمان که طبقه کارگر رهبری و هدایت قدرت دولتی را در دست می‌گیرد بعضی وظایف سوسیالیستی را انجام می‌دهد و گذار به سوسیالیسم را آغاز می‌کند.

پایان پیروزمندانه مرحله ضدامپریالیستی - دموکراتیک انقلاب بدون فرارویی آن به انقلاب سوسیالیستی امکان‌پذیر نیست. بعبارت دیگر، پایان مرحله اول و آغاز مرحله دوم در هم تنیده می‌شود. در جریان این فرارویی، صفبندی نیروهای محرکه انقلاب نیز تغییر می‌کند و مضمون قدرت دولتی از اتحاد کارگران با دهقانان و اقشار خرده‌بورژوازی شهری به اتحاد کارگران با بخش استثمار شونده آنها تحول می‌یابد. در مجموعه این تحولات، جنبش کمونیستی نقش اصلی، نقش رهبری کننده را به عهده دارد.

مبارزه طبقاتی پرولتاریا اساس جنبش کمونیستی را تشکیل می‌دهد و این مبارزه اساساً مبارزه‌ای سیاسی است. بنابراین، تا زمانی که مسئله اساسی مرحله کنونی انقلاب، یعنی مسئله قدرت حاکمه بطور کامل و نهائی حل نشده باشد، هرگونه تصور مبنی بر تحقق کامل وظایف انقلاب در شرایط موجود، هرگونه کم‌توجهی به ضرورت پیکار در راه حل مسئله اساسی انقلاب و تابع کردن آن به مبارزه اقتصادی توهمی رفرمیستی است که انرژی طبقه کارگر و توده‌ها را هدر می‌دهد. سازمان فدائیان

خلق ایران با هرگونه توهم رفرمیستی آشتی ناپذیر است و علیه آن مبارزه می‌کند.

از طرف دیگر، نظرات و سیاستهای ماجراجویانه و آنارشیکستی، که انقلاب سوسیالیستی را بطور بلاواسطه در دستور روز می‌داند، امکان انجام برخی تحولات ضدامپریالیستی و دموکراتیک در محدوده عمومی سرمایه‌داری و حتی امکان به قدرت رسیدن نیروهای ترقیخواه غیرپرولتری و ظرفیت بالقوه آنها را رد می‌کند، برای جنبش انقلابی طبقه کارگر و توده‌ها زیانبار است. مبارزه قاطعانه و همه جانبه علیه این نظرات و سیاستها برای گسترش حتی‌الامکان سریعتر جنبش انقلابی و انزوا و طرد موفقیت‌آمیز توهمات رفرمیستی ضرورت تام دارد.

انحرافات راست و "چپ" در عرصه‌های مختلف استراتژی و تاکتیک طبقه کارگر نمود می‌یابد. انحراف اپورتونیستی راست با استناد به عوامل مساعد بین‌المللی نظیر تغییر تعادل قوا به نفع نیروهای انقلاب جهانی و به ضرر امپریالیسم، ضرورت رهبری طبقه کارگر برای پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ضدامپریالیستی - دموکراتیک، برای سمتگیری سوسیالیستی را نفی می‌کند و به جای آن تشکیل جبهه‌ای از نیروهای دموکراتیک و ملی تحت رهبری نیروهای خرده‌بورژوازی و همکاری این جبهه با کشورهای نظام جهانی سوسیالیستی را کافی می‌داند.

مطابق این دیدگاه، کشورهای تحت رهبری نیروهای ترقیخواه غیر پرولتری که در راه ترقی اجتماعی در چارچوب عمومی سرمایه‌داری کام برمی‌دارند، در "راه رشد غیرسرمایه‌داری" و دارای "سمتگیری سوسیالیستی" قلمداد می‌شوند. بر این مبنا طبیعی است که اپورتونیسم راست مسئله اساسی انقلاب را در این کشورها خاتمه یافته می‌داند و وظیفه کمونیستها را در پشتیبانی از این حاکمیتها و طرح انتقاداتی در این چارچوب، و در واقع، در دنباله‌روی از آنها و تلاش برای "هل دادن" آنها به جلو خلاصه می‌کند. چنین سیاستی استقلال جنبش کمونیستی را خدشه‌دار می‌سازد، آن را به زائده‌جریانات غیرپرولتری تبدیل می‌کند و از منبع قدرت حیاتی خویش، یعنی توده‌ها جدا می‌سازد. انحراف اپورتونیستی "چپ"، در حالی که ضرورت رهبری طبقه کارگر را برای پیروزی قطعی و نهائی انقلاب ضدامپریالیستی - دموکراتیک

# برنامه دموکراسی خلقی

(برنامه حداقل سازمان فدائیان خلق ایران)

- استقرار دموکراسی خلقی هدف مقدم مبارزه طبقه کارگر ایران است.
- دموکراسی خلقی که بیانگر قدرت تمامی اقشار و طبقات مترقی تحت رهبری طبقه کارگر و پیشاهنگ انقلابی آن است، بمشابه حاکمیتی دموکراتیک و مردمی برنامه زیر را در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی به اجرا درمی‌آورد.

## الف: در زمینه سیاسی

### ۱- استقرار قدرت دموکراتیک خلق

- شرکت آگاهانه و همجانبه مردم در تعیین سرنوشت خویش شرط بنیادین برقراری حاکمیت دموکراتیک خلق و تحکیم پایه‌های انقلاب است.
- بدین منظور اقدامات زیر باید انجام گیرد.
- الف - تشکیل شوراهای بعنوان ارگان‌های اعمال حاکمیت خلق در تمامی سطوح ( موسسات، ده، بخش، شهر، شهرستان، استان، مناطق ملی و کشور ) ؛
- ب - شرکت تمامی شهروندانی که به سن ۱۸ سالگی رسیده‌اند در اداره امور کشور، بطور همگانی، برابر، مستقیم و از طریق انتخابات با رأی مخفی ؛
- ج - تامین اصل جدائی دین از سیاست ؛
- د- اصل ناظر بر قدرت دموکراتیک خلق مرکزیت دموکراتیک و عالیترین ارگان حکومتی شورای عالی خلق خواهد بود ؛

برسمیت می‌شناسد، به توان متحدان طبقه کارگر در این مرحله کم بها می‌دهد و راه و روش صحیح شکل‌گیری این رهبری را از نظر دور می‌دارد. بر همین پایه است که اپورتونیسیم "چپ" با تکیه بر این حقیقت آشکار ولی کلی، که اقدامات حاکمیت‌های ترقیخواه غیرپرولتاری از محدوده عمومی سرمایه‌داری فراتر نمی‌رود، جوانب ترقیخواهانه آنها را نادیده می‌گیرد. چنین سیاستی که در واقع پذیرش رهبری طبقه کارگر را شرط همکاری با دیگر نیروهای مترقی قرار می‌دهد، در عمل به کنارجهوئی از مبارزه انقلابی توده‌ها و جدائی از واقعیت منجر می‌شود.

طبقه کارگر ایران برای اینکه بتواند رسالت عظیم خود را در انقلاب ایران انجام دهد، باید وحدت رزمنده و انقلابی خود را در حزب پیشاهنگ طراز نوین تجسم بخشد. چنین وحدتی تنها می‌تواند بر اساس آموزش انقلابی مارکسیسم - لنینیسم، آشتی‌ناپذیری با هر نوع تفکر و سیاست رویزیونیستی و اپورتونیستی، برپایه اصول سانترالیسم دموکراتیک بوجود آید. بنابراین، سازمان فدائیان خلق ایران، مبارزه پیگیر علیه همه جلوه‌های رویزیونیسم و اپورتونیسم در عرصه‌های تئوری، سیاست و تشکیلات را از جمله وظایف خود تلقی می‌کند.



۲- سیاست خارجی مستقل و مترقی

برای تامین شرایط خارجی صلح‌آمیز، که برای پیشبرد وظایف انقلاب در داخل دارای اهمیت حیاتی است و نیز برای مساعدت به مبارزه انقلابی خلقهای کشورهای دیگر، ضروری است ایران سیاست خارجی مستقل و انترناسیونالیستی در پیش گیرد. بدین منظور اقدامات زیر باید به اجرا درآید:

- الف - پیروی از سیاست عدم دخالت در امور دیگر کشورها و رد هرگونه دخالت در امور داخلی ایران؛
- ب - گسترش روابط برادرانه با تمامی کشورهای سوسیالیستی و ترقیخواه جهان؛
- ج - کمک به تمامی دولتها و جنبشهای ترقیخواه جهان در مبارزه علیه امپریالیسم، صهیونیسم و نژادپرستی؛
- د - شرکت فعال در جنبش غیرمتعهدها؛
- ه - حمایت قاطع و کمک همه جانبه به جنبشهای ترقیخواه منطقه بویژه سازمان آزادیبخش فلسطین؛
- و - دفاع از تقویت و تحکیم پایههای تشنج‌زدائی، صلح جهانی و همزیستی صلح‌آمیز میان کشورهای دارای نظام اجتماعی متفاوت؛
- ز - دفاع از سیاست عدم دخالت نیروهای خارجی در خلیج فارس، دریای عمان و اقیانوس هند و تبدیل آن به منطقه صلح؛

۳ - پی‌ریزی سیستم دفاع مردمی

ارتش ایران در سراسر دوره حیات خود به جز در مقاطعی کوتاه، نقش ابزار سرکوب طبقات استثمارگر علیه خلقهای میهن و منطقه را ایفا کرده است. طبقات حاکم از این طریق، از میهن‌پرستی توده تشکیل دهنده بدنه ارتش سوءاستفاده کرده و آنها را در جهتی مغایر منافع طبقاتی خودشان و مصالح ملی کشور به کار گرفته‌اند. برای اینکه این وضع از بیخ و بن دگرگون شود، استقلال میهن حفظ گردد، از انقلاب

در برابر مقاومت و تحریکات امپریالیسم، ارتجاع منطقه و متحدان داخلی آنها دفاع شود، و ایران سهم شایسته خود را در تحکیم پایههای صلح جهانی ایفا کند، ایجاد سیستم دفاع مردمی و تشکیل ارتش خلقی ضروری است. بدین منظور اقدامات اساسی زیر اجرا باید گردد:

- الف - تشکیل ارتش خلقی متشکل از کارگران و زحمتکشان و نیز توده پرسنل میهن‌پرست ارتش بعنوان هسته مرکزی آن؛
- ب - قطع هرگونه وابستگی تسلیحاتی، تکنولوژیک و مستشاری؛

۴ - ایجاد نظام اداری و قضائی مردمی

بمنظور نابودی نظام اداری و قضائی بوروکراتیک، که حافظ منافع و امتیازات طبقات استثمارگر و متحدان امپریالیست آنها است، و ایجاد یک نظام نوین اداری و قضائی مردمی انجام اقدامات زیر ضروری است:

- الف - لغو کلیه قوانین بوروکراتیک و ضد مردمی و تصویب قوانین مترقی؛
- ب - تامین شرایط زندگی مناسب برای توده کارمندان و پرورش کادرهای جدید میهن‌پرست و کارآمد؛
- ج - مبارزه با هرگونه رشوه‌خواری، فساد و تبعیض؛
- د - تامین امنیت قضائی و ایجاد دادگاههای مردمی بر اساس انتخابی بودن قضات؛
- ه - تامین خدمات، کمک و مشورت قضائی مجانی برای تسهیل در امر داورى؛
- و - تضمین حق اشخاص برای تعقیب هر مقام رسمی در برابر دادگاه؛

### ۵ - حل انقلابی مسئله ملی

ایران کشوری است کثیرالمله که خلقهای فارس، ترک، کرد، ترکمن، بلوچ و عرب سالها در آن و در کنار هم زیسته‌اند. منافع خلقهای ایران و منافع زحمتکشانشان زمانی به بهترین نحو تحقق می‌یابد که این خلقها بطور آزادانه و داوطلبانه با هم متحد بوده و مشترکاً در راه شکوفائی کشوری واحد و قدرتمند مبارزه نمایند. بدین منظور اقدامات زیر می‌بایستی انجام یابد:

- الف - تامین حق تعیین سرنوشت برای تمامی خلقهای ایران و پایان دادن به هرگونه تبعیض ملی؛
- ب - الغای تقسیمات کنونی کشوری و انجام تقسیمات جدید کشوری بر پایه مسئله ملی؛
- ج - انجام اقدامات اساسی بمنظور از میان برداشتن عقب‌ماندگی ناشی از ستم مضاعف بر خلقهای محروم ایران؛
- د - از میان بردن هرگونه تبعیض دینی و تامین حقوق اجتماعی و فرهنگی پیروان ادیان مختلف؛

### ب: در زمینه اقتصادی

#### ۶ - تضمین رشد مستقل اقتصاد

قطع کامل وابستگی و تامین استقلال اقتصادی، همراه با حرکت در جهت امحای شالوده نظام سرمایه‌داری و گذار تدریجی به سوسیالیسم، ضامن رشد نیروهای مولده و رشد سریع و مستقل اقتصادی، اجتماعی و بهبود وضع رفاهی توده‌ها است. بدین منظور این اقدامات باید بمورد اجرا درآیند:

- الف - الغای کلیه قراردادها و روابط اسارتبار اقتصادی؛
- ب - محدود کردن مالکیت خصوصی؛
- ج - تقویت بخش دولتی بعنوان بخش اصلی اقتصاد، ایجاد بخش سوسیالیستی به عنوان راهبر اقتصاد، گسترش بخش تعاونی و تشویق

بخش خصوصی تا آنجائی که در خدمت شکوفائی اقتصاد مستقل میهن باشد؛

د - اجرای برنامه ارضی انقلابی به منظور تامین حقوق دهقانان و رفع فقر و محرومیت آنها؛

ه - الغای کلیه مالیاتهای غیرمستقیم و وضع و اجرای يك مالیات بر درآمد تصاعدی؛

#### ۷ - تامین رشد مستقل صنعتی

برای اینکه صنایع ایران از زیر سلطه امپریالیستها و متحدان داخلی آنها خارج شود و در خدمت رشد شکوفان اقتصاد ملی و تامین منافع توده‌ها قرار گیرد، اقدامات زیر باید بمورد اجرا گذاشته شود:

- الف - دولتی کردن کلیه صنایع پایه‌ای؛
- ب - پیشبرد برنامه‌ای متمرکز جهت ایجاد صنایع سنگین مورد نیاز کشور؛
- ج - تبدیل صنایع مونتاژ به صنایع مورد نیاز ملی و ایجاد ارتباط ارگانیک میان بخش‌ها و رشته‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدمات؛
- د - دولتی کردن کامل صنایع نفت و پتروشیمی، توسعه صنعت پالایش نفت و پتروشیمی در جهت کاهش فروش نفت خام و صدور فرآورده‌های پالایش شده و ساخته شده نفتی؛
- ه - گسترش مراکز تولید برق و شبکه برق رسانی کشور؛

#### ۸ - تجارت خارجی و داخلی

برای اینکه تجارت خارجی و داخلی کشور، در جهت تامین منافع امپریالیستها و اقلیت استثمارگر داخلی نباشد و به خدمت منافع ملی و بهبود شرایط زندگی توده‌های وسیع مردم درآید، اقدامات زیر باید اجرا گردد:

- الف - دولتی کردن تجارت خارجی و تمامی موسسات مالی و پولی کشور ؛
- ب - وضع قوانین مترقی در زمینه صادرات و واردات و قیمت گذاری کالاهای وارداتی به سود تولیدات داخلی ؛
- ج - توزیع کالاهای اساسی و وارداتی از طریق مراکز توزیع دولتی و تعاونی ؛
- د - مبارزه با واسطه‌گری و بورس بازی ؛
- ه - گسترش روابط تجاری با کشورهای سوسیالیستی و ترقیخواه جهان بر اساس منافع برابر و متقابل ؛

### ج: در زمینه اجتماعی

#### ۹ - تامین حقوق کارگران

- طبقه کارگر ایران برای آنکه نقش تعیین کننده خود را در اداره امور دولتی و اجتماعی ایفا کند، علاوه بر بدست گرفتن رهبری سیاسی در جامعه، باید از حقوق اجتماعی معینی برای دفاع از منافع خود برخوردار باشد، بدین منظور اقدامات زیر باید اجرا گردد :
- الف - تصویب و اجرای قانون کار و بیمه اجتماعی مترقی ؛
- ب - آزادی حق تشکیل سندیکاها و اتحادیه‌های مستقل کارگری ؛
- ج - تضمین حق اعتصاب همگانی برای کارگران ؛
- د - تضمین شغل برای تمامی کارگران و پرداخت هزینه زندگی به بیکاران ؛
- ه - ۴۰ ساعت کار و دو روز تعطیل در هفته و یک ماه مرخصی در سال ؛
- و - ممنوعیت از کار افراد کمتر از ۱۶ سال ؛
- ز - تامین حقوق کامل بازنشستگی ؛

- ح - ممنوعیت کار زنان در مشاغلی که به سلامت آنان آسیب می‌رساند ؛
- ط - تعیین حداقل دستمزد بر اساس تعیین متوسط هزینه زندگی خانواده چهار نفره ؛
- ی - کاهش ساعات کار در مشاغل سنگین و محیطهای آلوده ؛
- ک - اعمال کنترل کارگری در کارخانجات ؛
- ل - تامین مسکن، تامین و کنترل همه جانبه امور بهداشتی و ایمنی محیط کار ؛
- م - مقرر داشتن جرائم جزائی در مواردی که قوانین کار خدشه‌دار می‌شوند ؛

#### ۱۰ - تامین حقوق دهقانان

- تامین حقوق توده‌های محروم دهقانان ، قبل از هرچیز مستلزم خلعید از زمینداران بزرگ و بقایای فئودالها و دادن زمین به کسانی است که روی آن کار می‌کنند. اما این امر بخودی خود برای نابودی کامل فقر و محرومیت دهقانان کافی نیست. برای این کار لازم است در جهت نابودی تدریجی مناسبات استثمارگرانه سرمایه‌داری در عرصه روستاها نیز حرکت شود. در راستای تامین حقوق دهقانان و رفع فقر و محرومیت آنها اقدامات زیر بایستی اجرا گردد :
- الف - انجام اصلاحات ارضی بر اساس سلب مالکیت از زمینداران بزرگ و تحقق بخشیدن به شعار زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند ؛
- ب - الغای کامل بقایای اقتصاد فئودالی ؛
- ج - ایجاد و گسترش تعاونیهای کشاورزی و مزارع دولتی و جلب داوطلبانه و تدریجی دهقانان به کشاورزی جمعی از طریق نشان دادن

طرح برنامه —————  
برتری و باروری بیشتر آن و ارائه امکانات و وسایل لازم برای انجام این کار ؛

د - تسطیح اراضی ، تعبیه سیستم آبیاری و زهکشی، ذخیره‌سازی آب و ایجاد جاده‌های زراعی و روستائی به منظور ایجاد شرایط برای ماشینی کردن کشاورزی و تسهیل حمل و نقل میان شهر و روستا و مراکز صنعتی و کشاورزی ؛

هـ - ارائه آموزشهای فنی به دهقانان ؛

و - تامین ماشین آلات کشاورزی، تامین بذر و نهال اصلاح شده

و تهیه کود و سموم شیمیائی مورد نیاز کشاورزان ؛

ز - تضمین قیمت عادلانه برای کالاهای کشاورزی ؛

ح - ملی کردن مراتع و چراگاههای طبیعی، جنگلها و منابع صید؛

ط - اقدامات اساسی برای کنترل و استفاده صحیح از منابع آبی

و تامین آب و برق مورد نیاز روستاها ؛

ی - گسترش خدمات آموزشی، بهداشتی و رفاهی در روستاها؛

ک - انجام اقدامات رفاهی در زمینه بهبود شرایط کار و زندگی

عشایر و صیادان ؛

### ۱۱ - تامین آزادی‌های فردی و اجتماعی

مردم ایران برای آنکه بتوانند آگاهانه و آزادانه در تعیین سرنوشت کشور خود شرکت کنند، از جمله باید از حقوق فردی و اجتماعی معینی برخوردار باشند. در این زمینه انجام اقدامات زیر ضروری است :

الف - تامین آزادی مطبوعات، اجتماعات، احزاب، گردهمایی‌ها، تظاهرات و مکاتبات؛

ب - آزادی کامل وجدان و مذهب و نابودی هرگونه تبعیض

مذهبی ؛

ج - آزادی تمام اتباع ایران از هر جنس، نژاد، ملیت و مذهب

در برابر قانون ؛

طرح برنامه —————  
د - از میان بردن هرگونه تبعیضات غیردموکراتیک و لغو سانسور؛  
هـ - تامین حق انتخاب آزادانه شغل، محل سکونت، حق تابعیت یا لغو آن، حق مسافرت؛

### ۱۲ - تامین حقوق زنان و کودکان

رهائی زنان، قبل از هرچیز مستلزم آن است که آنها در مقیاس وسیعی در تولید اجتماعی شرکت جویند و به استقلال اقتصادی دست یابند. علاوه بر این ، باید از طریق انتقال وظایف خسته‌کننده خانه‌داری به جامعه، شرایطی را فراهم کرد که زنان بتوانند فعالانه در اداره امور دولت و جامعه سهیم شوند. بدین منظور در راستای تحقق این اهداف و نیز تضمین دوران طفولیت شاد و سالم برای کودکان اقدامات زیر باید عملی گردد :

الف - افزایش نقش زنان در فعالیتهای اقتصادی و اجتماعی؛

ب - رفع هرگونه تبعیض میان زنان و مردان و تامین حقوق ویژه

زنان شاغل ؛

ج - تامین حقوق برابر زنان و مردان در ازدواج، طلاق، ارث،

و نسبت به فرزندان ؛

د - ممنوعیت تعدد زوجات ؛

هـ - حمایت مادی و معنوی از خانواده‌های بی‌سرپرست و بیوه‌گان؛

و - تامین شش ماه مرخصی زایمان برای زنان شاغل ؛

ز - ایجاد شیرخوارگاهها و مهد کودک ( در کنار کارخانجات و

ادارات )؛

ح - ایجاد و تشویق سازمانهای دموکراتیک و مستقل زنان ؛

ط - تامین آموزش، خدمات درمانی و وسایل تفریح و ورزش و

بازی کودکان ؛

۱۳ - تامین بهداشت و درمان همگانی

- سلامت جسمی و روانی از شرایط اولیه زندگی پربار و فعال اجتماعی است. برای تامین این منظور اقدامات زیر باید انجام شود :
- الف - تامین بهداشت و درمان برای عموم مردم با اولویت دادن به بهداشت عمومی و طب پیشگیری ؛
- ب - تامین بهداشت محیط کار و زندگی ؛
- ج - تامین تغذیه ملیونها کودک بویژه در مناطق ناسالم ؛
- د - واکسیناسیون همگانی و الزامی ؛
- ه - تربیت و آموزش کادرهای بهداشتی و پزشکی و ایجاد و تقویت دانشکده‌های پزشکی و مراکز درمانی و بهداشتی ؛
- و - کنترل و نظارت دولت بر امر بهداشت و درمان و آموزش پزشکی و تامین بودجه مناسب برای آن ؛
- ز - قرار دادن تمامی مردم زیر پوشش کامل بیمه‌های اجتماعی ؛
- ح - تامین شرایط زندگی مناسب برای کارکنان مراکز درمانی و بیمارستانها ؛
- ط - تامین هزینه زندگی سالمندان و ایجاد مراکز ویژه برای آنان ؛

۱۴ - تامین مسکن برای مردم

- نداشتن مسکن خوب، سالم و شایسته یکی از جلوه‌های فقر و محرومیت اکثریت مردم ایران است. در راستای حل مشکل مسکن اقدامات زیر اجرا باید گردد :
- الف - استفاده عادلانه از مجموعه اماکن مسکونی موجود ؛
- ب - برنامه ریزی دولتی جهت خانه سازی ارزان و مناسب ؛
- ج - ممنوعیت تجارت و بورس‌بازی زمین و احتکار مسکن ؛
- د - تعدیل اجاره بها و تشبیت اجاره مسکن تا زمان حل مسئله مسکن ؛
- ه - اجرای برنامه نوسازی شهرها و روستاهای میهن ؛

۱۵ - تامین آموزش همگانی

- تحصیل و آموزش حقی همگانی است که می‌بایستی با اقدامات زیر زمینه‌ها و اقدامات لازم جهت پیشبرد همهجانبه آن فراهم آید :
- الف - اجباری کردن تحصیل تا پایان دوره متوسطه و تامین کامل هزینه آن از طرف دولت ؛
- ب - اجرای برنامه انقلابی به منظور ریشه کن کردن بیسوادی ؛
- ج - برقراری سیستم آموزشی علمی با بهره‌گیری از دستاوردهای علمی جهان معاصر ؛
- د - تامین خدمات آموزشی رایگان ؛
- ه - ایجاد و گسترش کودکستانها، دبستانها، دبیرستانها و هنرستانهای فنی و حرفه‌ای و نیز کتابخانه‌ها ؛
- و - پرداخت کمک هزینه تحصیلی به دانش‌آموزان و دانشجویان ؛
- ز - تامین شرایط زندگی مناسب برای توده فرهنگیان و بویژه معلمان، ارج نهادن به نقش مهم آنان در تربیت نسل جوان کشور و فراهم ساختن امکانات لازم برای ارتقاء مستمر سطح علمی دانش و تخصص آنها ؛

۱۶ - اشاعه فرهنگ ملی و مترقی

فرهنگ حاکم جامعه ایران در سراسر دوره‌های گذشته، بجز در مقاطعی کوتاه، فرهنگ طبقات استثمارگر بوده و بر مبنای فردگرایی، جاودانه دانستن تقسیم جامعه به طبقات، گسترش لاپالیکری در بین جوانان، برخورد تبعیض آلود و تحقیر آمیز نسبت به زنان، تحریف و تحقیر آداب و رسوم و سنن ملی ترقیخواهانه و رواج روحیه تسلیم طلبی در برابر قدرتهای امپریالیستی قرار داشته است. برای پایان دادن به این وضع و ارتقاء سطح فرهنگ عمومی جامعه، از طریق بالا بردن میزان دانش علمی توده‌ها، کاربست هرچه

طرح برنامه —————  
 بیشتر علم در اداره امور اجتماعی و دولتی و اشاعه فرهنگ ملی و متمدنی،  
 اقدامات زیر باید اجرا گردد :

- الف - مبارزه با همه مظاهر منحط فرهنگ بورژوازی و بویژه القادات  
 امپریالیسم برای اسارت فرهنگی مردم ؛
- ب - استفاده از دستاوردهای علمی و فنی و هنری جهان ؛
- ج - تقویت و گسترش دانشگاهها و مراکز آموزش عالی منطبق  
 با نیازهای ملی و نیز ایجاد فرهنگستان علوم ایران ؛
- د - فراهم آوردن امکانات لازم جهت تحقیق و پژوهش و امور  
 علمی و هنری و حمایت و تشویق دانشمندان و هنرمندان ؛
- ه - حفظ و تقویت فرهنگ ملی و متمدنی، فرهنگ مردمی ( فولکلور )  
 و نیز دستاوردهای هنری و ادبی میهن ؛
- و - جلب و جذب دانشمندان و هنرمندانی که مجبور به ترك  
 میهن شده‌اند ؛

### ۱۷ - ورزش

- اشاعه روحیه ورزش دوستی و ورزشکاری نقشی مهم در پرورش جسمی  
 و روحی مردم، بویژه جوانان و تامین تندرستی، شادابی و تحرک آنها دارد.  
 بدین منظور اقدامات زیر باید عملی گردد :
- الف - تامین امکانات ورزشی رایگان برای همه ؛
- ب - تامین بودجه مناسب برای امور ورزشی و ایجاد ورزشگاهها  
 بویژه در مناطق محروم و دورافتاده ؛

سازمان فدائیان خلق ایران، همه مردم و نیروهای متمدنی میهن  
 را به پیکاری متحدانه در راه تحقق این برنامه که برنامه طبقه کارگر ایران  
 برای حل بنیادین مسائل جامعه است فرا میخواند و پشتیبانی خود  
 را از همه نیروهائی که در این راستا مبارزه می‌کنند، اعلام می‌دارد.